

فن ماده تاریخ نویسی

ناصر باقری بیدهندی

محسّنات این فن

عمده محسّنات این فن آن است که گوینده از طریق نثر و یا نظم سال تاریخ را می گنجانیده و وقوع حادثه یا شرح بنا یا تخریب یا ظهور یا انقراض و ولادت و غیره را مضبوط می کرده اند تا خاطرها به ضبط آن بیشتر مایل و راغب شوند.

امتیاز دیگر این فن آن است که بهترین و مطمئن ترین راه شناخت تاریخ یک حادثه، رجوع به ماده تاریخ است؛ زیرا ماده تاریخ تحریف نمی پذیرد و تغییر و تبدیل در آن راه ندارد. خاصه در واقعه ای که گویندگان متعدد با عبارات گوناگون چندین تاریخ گفته باشند، برابری آنها با یکدیگر راهی اطمینان بخش برای صحت تاریخ مورد نظر است.

امتیاز سروده های این فن با اشعار دیگر را این گونه می توان بیان کرد که سروده های دیگر در صورتی که مشتمل بر لطایف ادبی و صنایع شعری نباشد و از استحکام لازم بی بهره باشد - برخلاف اشعاری که برخاسته از این فن هستند - مورد توجه واقع نمی شود، اما ماده تاریخ به علت ارزش اضافی خود تا دیرگاهی درخور بهره برداری است.

امتیاز دیگر این فن آن است که مشتمل بر یک نوع ورزش فکری و ریاضت ادبی است و همان حلاوتی که از حل مسائل غامض علمی به دانشمند دست می دهد، نصیب گوینده ماده تاریخ نیز می گردد. نکته ای که در اینجا تذکرش ضروری می نماید آنکه دامنه این صناعت منحصر به نظم نمی شود و در نثر محاورات مردمی نیز ماده تاریخ های جالبی که نام بزرگی را به ابدیت پیوند زده و حادثه ای را جاودانه ساخته، فراوان دیده می شود.

اصول و قواعد مربوط به این فن

خبرگان این فن در محاسبه، به قواعد و نکاتی توجه دارند از جمله:
الف: تنها حروف نوشته شده را به حساب می آورند، از باب مثال الف های وسط اسمعیل، اسحق و رحمن را در نظر نمی گیرند.
۱. نک: مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۳۷۷.
۲. آداب اللغة، ج ۳، ص ۱۱۸.

فن ماده تاریخ نویسی از ظرائف فنون شعریه است و اغلب آن را جزء صنایع مستظرفه مانند موسیقی و نقاشی و امثال آن دانسته اند. این فن مربوط است به حساب جمل.

در زمان های قدیم نزدیک به اوایل اسلام، ذکر تاریخ با حروف مقطعه معمول بود و چون این عمل برای ثبت و ضبط تاریخ بهتر از ساده نویسی تاریخ و به عدد نگاشتن آن بود، بعدها بهره گیری از حساب جمل در میان شعرا ادبای عرب و عجم جاری و معمول گردید و عمده شیوع آن از قرن پنجم بوده است. درباره پیشینه تاریخی این فن، اطلاع چندانی در دست نیست، اما با توجه به پاره ای از روایات^۱ می توان دریافت که در دوره های اول اسلام از حساب جمل استفاده می شده است. جرجی زیدان در این باره می نویسد:

«در صدر اسلام محاسبه گران حروف هجاء را به استخدام گرفته بودند، همان طور که ما از ارقام هندی استفاده می کنیم»^۲
این فن در اواخر دوران خلافت عباسی شیوع یافته است و در میان فارسی زبانان از اوائل سده پنجم هجری معمول شده است. در میان سخن سرایان فارسی زبان نخستین فردی که با حروف مقطعه ابجد تاریخ گفته، مسعود سعد سلمان است. وی اشعاری در تفویض حکومت هندوستان به سیف الدوله محمود پسر ابراهیم سروده است.

طریقه محاسبه

در این حساب برای هر حرف از حروف ابجد، عددی قائل شده اند و حساب جمل را تشکیل داده اند، چنانچه بدرالدین محمد ابونصر فراهی در کتاب نصاب الصبیان گفته است:

یگان یگان شمر ابجد حروف تا حطی
چنانچه از کل من عشر عشر تا سعفص
پس آنکه از قرشت تا ضغط شمر صد صد
دل از حساب جمل شد تمام مستخلص

شاید این توضیح لازم باشد که ارقام ابجدی این گونه محاسبه می شود:
۱۱؛ ۲؛ ۳؛ ۴؛ ۵؛ ۶؛ ۷؛ ۸؛ ۹؛ ۱۰؛ ۱۱؛ ۲۰؛ ۳۰؛ ۴۰؛ ۵۰؛ ۶۰؛ ۷۰؛ ۸۰؛ ۹۰؛ ۱۰۰؛ ۲۰۰؛ ۳۰۰؛ ۴۰۰؛ ۵۰۰؛ ۶۰۰؛ ۷۰۰؛ ۸۰۰؛ ۹۰۰؛ ۱۰۰۰.

نمی گیرند و الف مقصوره عیسی و موسی را به حساب می آورند.
ب: در حالت وقفی آخر کلماتی همچون «الجنة» و «الروضه» و ... را مانند دخل الجنة «ها» و در صورت اضافه شدن مثل جنة الفردوس «تا» حساب می کنند.

ج: در غیر لفظ مبارك «الله» حروف دارای تشدید، یکی حساب می شود حتی الفی را که در تلفظ آن هست گاهی یکی حساب می کنند.

د: همزه و الف در صورتی که در اول کلمه قرار گیرد، گاهی یک و گاهی دو حساب می شد؛ از باب مثال: «آب» را هم سه و هم چهار می توان به حساب آورد. و نیز همزه ای که در آخر کلمه به جای «یا» به کار می رود مثل: نکوئی و دانائی در صورت لزوم یک شمرده می شود.

هـ. حرف تأویل «که» را هرگز داخل جمله ماده تاریخ نمی برند و اگر به کار رفت، خلاف قاعده است مانند:

عزیزی پی نظم گفت

که: (بادا بقای حیات شما)

و: از چهار حرف ویژه زبان فارسی، حروف «پ» را ب(=۲)، و «ج» را «ج» (=۳)، و «ز» را «ز» (=۷)، «گ» را «ک» (=۲۰) محاسبه می کنند.

شادروان میرزا اسماعیل خان دیر تفرشی (م ۱۲۲۲ ق) در ذیل کتاب نخبة التواریخ خود و جیزه قانونچه ای نگاشته که قسمتی از آن برای تبیین موضوع اقتباس شده است. وی گوید:

«گوینده ماده تاریخ باید در عمل خود حروف مکتوبه را مناط عمل و شمار دانسته و حروف مشدده را یک حرف شمرده و نیز حروف مسروقه یا معدوله مانند او خواجه و خوار و غیره را مأخوذ و مطلق الف و لام را در شمسی و قمری و غیره به حساب آورد و کلمات زائده قبل از ورود مطلب که عبارت را برای قبول و توجه مقصود مستعد می نماید یا در بعضی از مواد من باب ضرورت در ابتدا و وسط یا آخر ماده تاریخ آورده و جزء ماده نیست از قبیل جزو گفتا «بگو» و «برگو» و «پس برگو» و امثال آن را نباید مأخوذ داشت و نیز حروف ربط مانند که و چه بعد از جزو «گفتا» و «بگو که» و «گفتم که» و غیر اینها را باید از ماده تاریخ خارج دانست و به حساب نیاورد و دانست که آنها در عدم اخذ و طرد همان حکم باطل را داراست. همچنین در کلمه «الله» باید آن را مبنی بر دو لام دانست چنان که گفته اند:

هم بود الله مبنی بر دو لام

گفتم این می مبتدی را والسلام

و آن را نباید مورخ و ماده تاریخ ساز یک لام به شمار بیاورد و به اشتباه افتد یا سهل انگاری نماید و آن را یک لام محسوب دارد (چنانکه اکنون در اغلب نوشتجات ماشین با یک لام می نویسند) و نیز در اسمعیل و اسحق رسم الخط آن را منظور داشته بدون

الف نویسند و موسی و عیسی را بایه بنگارند و همچنین در کلمات ازین و درین که باید همزه در درج کلام ساقط شود، تاریخ ساز همزه را به حساب نباید بیاورد و بنگارد و نیز همزه مابین دو علم مثل حسن بن موسی را ساقط نموده بشمارد که باز به این زحمت نیفتد و یک عدد به واسطه زیاد کردن همزه به خطا رود و بالعکس در «است» رابط باید با الف آرد. هیچ گاه الف را حذف ننماید و چنانکه بسیاری از شعرا آن را به طور وضوح در اشعار خود آورده اند، مانند این شاعر که گوید:

فتنه دیری است که در چشم تو بست آمده است

این چه بستی است که در خانه مست آمده است^۳.

در صورتی که استاد تاریخ ساز و شاعر مورخ به اصول و قواعد مربوط به این فن توجه نکند، خطای او قطعی است و زحمتی بی فایده و تکلیفی بی جهت بر خود راه داده و از نقد ناقدان نیز در امان نخواهد ماند.

به نمونه ای از خطاها توجه فرمایید. کسی که ماده تاریخ فوت حکیم متاله، حاجی سبزواری را اینگونه گفته: گفتا «که نمرد زنده تر شد» و کلمه ربط یعنی «که» را محاسبه کرده و اصل تاریخ را که مطابق با ۱۲۸۹ است به واسطه افزودن ۲۵ عدد بی مورد و به شمار آوردن کلمه «که» تکمیل نموده است.

انواع ماده تاریخ

خبرگان این فن، چند نوع ماده تاریخ ساخته اند:

۱. تاریخ حادثه و رخدادی به طور صریح به نظم کشیده شده است. فهم این قسم ماده تاریخ نویسی آسان و بسیار طبیعی است: نمونه از کسائی مروزی (۳۴۱-۳۹۱ هـ)

به سیصد و چهل و یک رسید نوبت سال
چهارشنبه و سه روز مانده از شوال
بیامدم به جهان تا چه گویم و چه کنم
سرود گویم و شادی کنم به نعمت و مال
نمونه از مولوی جامی در تاریخ ولادت خود:

به سال هشتصد و هفده ز هجرت نبوی
که زد ز مکه به یثرب سראقات جلال
ز اوج قلعه پرواز گاه عز قدم
بدین حسیض هواست کرده ام پر و بال

۲. ماده تاریخ لفظی که همان استفاده از حساب جمل است. ماده تاریخ لفظی گاه صریح است و گاه غیر صریح که به صورت معما بیان می شود.

۳. مجله یادگار، س ۴، ش ۵، ص ۲۰-۲۱.

بهره ماده تاریخ نویسان از آیه های قرآن

۱. تاریخ تکمیل حفظ قرآن مجید توسط عالمگیر را عزیزی در این آیه شریفه یافته است: سنقرئک فلاتنسی (۱۰۷۱)^۴
۲. تاریخ ساختن حمام مصر را از این آیه کریمه یافته اند.^۵ (إن کنتم جنبا فاطهروا (۹۱۸))
۳. تاریخ فتح روم توسط امیر تیمور گورکان را که در ۸۰۵ صورت گرفته، در آیه زیر یافته اند.^۶ (غلبت الروم فی أدنی الارض) یافتند.
۴. تاریخ احداث مسجدی را عزیزی از این آیه شریفه یافته است: فول وجهک شطر المسجد الحرام (۱۰۷۷)^۷
۵. تاریخ غسلخانه مسجد شاه جهان آباد که عالمگیر بنا نموده از این آیه شریفه یافته اند. وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (۱۰۴۳)
۶. تاریخ حوضی که در مکه مکرمه توسط همشیره سلطان سلیم خوندار روم ساخته شد، در آیه کریمه زیر یافته اند: انا اعطیناک الکوثر (۹۷۰)
۷. حضرت نور المشائخ در قلعه جواد چهاردهی مسجدی بنا کرد که محمد ابراهیم خلیل در تاریخ آن شعری سرود که در بیت آخر به آیه شریفه اشاره کرده است: تابحق آن ز چشم بد بود ایمن خلیل در قمر از سال ختمش گشت (مازاغ البصر)^۸ یعنی ۱۳۷۲ ه. ق.
۸. ابوالقاسم حبیب تخلص یزدی در تاریخ بنای باغی در یزد این بیت را گفته: باغبان آمد برون و بهر تاریخش سرود (هذه جنات عدن) فادخلوها خالدین^۹؛ یعنی ۱۲۸۸ ق.
۹. تاریخ شوسه سازی راه هزار جم مازندران را علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه متخلص به فخری وزیر علوم ناصرالدین شاه این شعر را گفته است: جست پیر عقل تاریخش زمین گفت فخری (شد صراط المستقیم)^{۱۰}؛ یعنی ۱۲۸۵
۱۰. در سال ۹۶۳ هجری شاه طهماسب صفوی به جمیع امرا و اعیان دولت امر اکید صادر نمود که شراب نخورند و حرمت آن را اعلان نمودند. توبه نامه یی صادر شد از طرف یکی از شعرای وقت و این قطعه و تاریخ گفته شد: سلطان کشور دین طهماسب شاه عادل سوگند داد توبه خلیل سپاه دین را تاریخ توبه کردن شد (توبه نصوحا)؛ ۹۶۳ سرالهی است این منکر مباش این را^{۱۱}
۱۱. در تاریخ فتح پنجابور از طرف عالمگیر شاه هندی در

سال ۱۰۹۷ یکی از نکته سنجان و دانشمندان هند این آیه را تاریخ یافته به طرز معماست:

اخر جناهم (من جنات و عیون و مقام کریم)

۱۱۴۲ منهای هم ۴۵=۱۰۹۷

هم را از آیه شریفه باید خارج کرد تا تاریخ درست شود زیرا که می گوید اخر جناهم.^{۱۲}

۱۲. تاریخ گریختن سوای مقهور را از حضور حافظ هدایت الله را آیه کریمه زیر یافته اند.

إن شانتک هو الا بتر (۱۰۷۷)^{۱۳}

۱۳. در صلح سلطان سلیمان عثمان و شاه طهماسب اول آیه کریمه را یافته و در سلک نظم کشیده اند:

قیصر روم و شه کامگار

صلح نمودند به هم اختیار

از پی تاریخ گرفتیم قلم

نازده این کلک هنوز از رقم

منشی اقبال در این کهنه دیر

غلغله افکند که (الصلح خیر) ۹۶۸^{۱۴}

۱۴. فیض دکنی تفسیر بی نقطه ای دارد به نام سواطع الالهام. آنگاه که از تألیف آن فراغت یافت میر حیدر معنائی تاریخ آن را بدون بسمله از سوره مبارکه اخلاص بر آورد که اعداد تمام حروف سوره شریفه (۱۰۰۲) می شود.^{۱۵}

۱۵. منعم خان خان خانان وقتی پل جرنبور را ساخت تاریخ آن را آیه شریفه صراط المستقیم (۹۸۱) یافتند.^{۱۶}

۱۶. در تاریخ غارت خانه نظام العلما که جماعت اجامر و اوپاش به سعایت امیر نظام گروسی ازدحام نموده و غارت کردند چنین گفته اند: (لاغوبینهم اجمعین)^{۱۷}؛ یعنی ۱۳۱۶ ق

۱۷. در تاریخ غارت خانه قایم مقام والی تبریز در سال

۴. استخراج تاریخ در نظم، ص ۱۲.

۵. مواد التاریخ، ص ۶۴۷؛ استخراج تاریخ در نظم.

۶. مواد التاریخ، ص ۱۲۹.

۷. استخراج تاریخ در نظم، ص ۱۳.

۸. همان، ص ۱۵.

۹. مواد التاریخ، ص ۷۰۸.

۱۰. همان.

۱۱. همان، ص ۷۲۸.

۱۲. مواد التاریخ، ص ۱۴۸.

۱۳. استخراج تاریخ در نظم، ص ۱۲.

۱۴. مواد التاریخ، ص ۱۳۷.

۱۵. استخراج تاریخ در نظم، ص ۱۲.

۱۶. همان، ص ۱۳.

۱۷. مواد التاریخ، ص ۴۵۱.

۱۳۱۳ قمری که اوباش و اشرار ازدحام نموده غارت کردند و قایم مقام حکمران تبریز فرار کرده بود، نظام العلماء این جمله را تاریخ گفته: ^{۱۸} (فی قلوبهم مرض) یعنی ۱۳۱۳ ق

۱۸. چندی بعد از غائله خروج و طغیان شیخ عبیدالله کرد (که در سال ۱۲۹۷ ق در آذربایجان بنای شورش نهاده بود) رئیس طاغیان اکراد به استانبول فرار کرد، و دوباره به سرحدات ایران آمده، مشغول چپاول و قتل و غارت گردید. حاج میرزا رفیع نظام العلماء به قرآن تفأل کرده، این آیه آمده بود (للكافرين عذاب مهين) حساب کردند تاریخ همان واقعه بود. ^{۱۹}

۱۹. آقای نخجوانی در تاریخ افتتاح کانال سوئز این آیه شریفه را یافته است:

(قوله مرج البحرين يلتقيان) ^{۲۰} یعنی ۱۲۸۶

۲۰. در فتح هرات میرزا عبدالوهاب یزدی قصیده ای دارد که: گفته خدا از پی تاریخ آن

(نصر من الله و فتح قريب)؛ ^{۲۱} یعنی ۱۲۷۳

۲۱. تاریخ فتح قسطنطنیه را از طرف سلطان محمد فاتح سلطان دولت عثمانی بعضی از فضلا چنین گفته اند:

بلدة طيبة (۸۵۷) ^{۲۲}

۲۲. تاریخ وفات آیت الله حاج سید محمد شفیع موسوی بروجردی (م ۱۲۸۰) را شیخ محمد دزفولی چنین آورده:

برای ضبط تاریخ وفاتش از دم غیبی

بگوش من ندا آمد (فمنهم من قضی نحبه) ^{۲۳}؛ یعنی ۱۲۸۰.

۲۳. تاریخ وفات مرحوم آخوند ملا احمد هشترودی را آقای

حاج علیخان پسرش سروده که بیت آخرش این است:

بگفت هاتف غیبی به فوتش این مصراع

(بشر مثال احد لم یلد و لم یلد)؛ یعنی ۱۳۲۶ ش ^{۲۴}

۲۴. در تاریخ فوت فقیه بزرگوار آقا شیخ محمد طاهر

دزفولی فرزند محسن (۱۲۳۰-۱۳۱۵) گفته اند:

سال فوت او ز قرآن مبین

آمد ان العاقبة للمتقين

عافیت را تا عدد دان چهار صد

برخلاف رأی اصحاب عدد ^{۲۵}

۲۵. در تاریخ فوت میرزا احمدخان اشتری «یکتا»

(۱۲۶۱ ش-۱۳۳۳ ش) استاد جلال همائی سرود:

در جواب إرجعی ^{۲۶} لبیک گفت

نفس پاک مطمئن طاعتی

أدخلی فی جنتی بشنید و گفت

سال فوتش «اشتری جنتی» ^{۲۷}

۲۶. تاریخ رحلت میر سید علی همدانی (فده) را در بسمله یافته اند:

بسم الله الرحمن الرحيم (۷۸۶) ^{۲۸}

۲۷. تاریخ فوت میان شیخ احد سنبلی را از این آیه شریفه برآورده اند:

عند ملیک مقتدر (۹۶۸) ^{۲۹}

۲۸. تاریخ انتقال خواجه عبیدالله احرار را در این آیه کریمه یافته اند:

(اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون) (۸۹۶)

در اعداد اولئک یک با گرفته شده ^{۳۰}

۲۹. تاریخ وفات عبدالرحمن جامی را از آیه کریمه ذیل یافته اند.

ومن دخله کان آمناً (۸۹۸) ^{۳۱}

۳۰. تاریخ فوت زیب النساء دختر عالمگیر را این گونه بیان کرده اند:

وادخلی جنتی (۱۱۱۴) ^{۳۲}

در تاریخ وفات زینت النساء بیگم مادر نواب نجف خان که در سال ۱۱۷۴ هجری فوت شده، گفته اند:

«... منزلش خلد برین کرد خداوند جلیل

خبرم داد ز تاریخ وفاتش جبیریل!

کز سر شعر بکن نقش سر لوح مزار

وادخلی جنتی از سوره الفجر بیار

اگر عدد سر لوح را که حرف لام باشد با عدد وادخلی جنتی یکجا نموده آید تاریخ وفات برآید.»

(نقل از مفتاح التواریخ، ص ۳۴۴.)

۱۸. همان، ص ۴۵۶.
 ۱۹. همان، ص ۴۵۵.
 ۲۰. همان، ص ۱۵۹.
 ۲۱. همان، ص ۱۵۸.
 ۲۲. همان، ص ۱۳۰.
 ۲۳. همان، ص ۲۱۷، ضمیمه تاریخ علمای خراسان، ص ۱۷۱ و بیان المفخر.
 ۲۴. مواد التواریخ، ص ۲۳۳.
 ۲۵. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۲۷۶.
 ۲۶. اشاره است به آیه شریفه «ارجعی إلی ربک راضیه مرضیه»، سوره والفجر، آیه ۲۸.
 ۲۷. دیوان سنا، ص ۱۹۵.
 ۲۸. استخراج تاریخ در نظم، ص ۱۳.
 ۲۹. همان، ص ۱۲.
 ۳۰. همان، ص ۱۳.
 ۳۱. همان.
 ۳۲. همان، ص ۱۴.